



تحلیل محتوای طنز فرهنگی و اجتماعی هفته نامه نسیم شمال در زمان مشروطیت

چکیده

ادبیات هر عصر متأثر از اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره است؛ در دوره مشروطه نیز چنین جوی بر ادبیات حاکم بود و به دلیل خفقان سیاسی، افرادی چون سیداشرف الدین قزوینی به زبان عامه و طنز به روشنگری سیاسی و اجتماعی و فرهنگی مردم می پرداختند. پژوهش حاضر تلاشی است از نوع تحقیقات کیفی، روش آن توصیفی-تحلیلی، ابزار گردآوری اطلاعات، کتابخانه ای و فیش برداری و چک لیست محقق ساخته و روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز تحلیل محتواست؛ بدین منظور ابتدا نگاهی به شرایط زمان مشروطیت و ادبیات این دوران داشته و پس از بررسی دیوان اشعار گیلانی و شماره های مختلف نسیم شمال، چهار مقوله مهم فرهنگی؛ "انسجام ملی و اتحاد اسلامی، انتقاد به تقلید کورکورانه از جهان غرب، عدم ثبات فکری و شخصیتی و رنگ عوض کردن، تکریم زنان و دختران" و چهار مقوله مهم اجتماعی؛ شناخت و نقد استعمار، همدلی و یکرنگی در حل مشکلات جامعه، نقد عالم مزوی و تشویق عالم اجتماعی، نقد عهد شکنی شاه قاجار در قبال مشروطه استخراج و ارائه گردید.

کلمات کلیدی: مشروطیت، نسیم شمال، فرهنگ، طنز فرهنگی، طنز اجتماعی.



کسی نمی تواند تأثیرهای گوناگون نهضت مشروطه را بر جریان های بی شمار انکار کند. بی تردید این نهضت محصول بیداری مردم ایران زمین بود که در کسوتی فاخر رخ نمود (کریمی موعاری، ۱۳۸۲، ص ۱۹). تأثیر نهضت مشروطه بر ادبیات و شعر فارسی تدریجی بود و پس از گذشت سال ها خود را نشان داد. "در این دوره شعر فارسی در قلمرو محتوا و اهداف شعری از دربار رست و گام به کوچه و بازار نهاد و مشحون از فریاد گرمی زندگی و آرمان ها شد؛ در واقع صدای اصلی مشروطیت، بیشتر یا میهن پرستی است یا انتقاد. درون مایه های شعر مشروطه، مسائلی چون آزادی، وطن، زن، غرب، صنعت غرب و انتقادهای اجتماعی است (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵، ص ۳۴). در این زمان آثار ادبی بسیاری در قالب های مختلف تألیف و نشر پیدا کرده اند که فراگیر ترین آنها، نشریاتی از جمله نسیم شمال، گل زرد، صوراسرافیل، قلم پاک، کانون شعرا، بهلول، بدر، تشویق، پایتخت، بوقلمون بودند که به گفته آژند (۱۳۸۴) اغلب با رنگ و بوی سیاسی و اجتماعی و در قالب ترجیع بند و مسمط بود که در روزنامه های مساوات و نسیم بیشتر متبلور شده است (ص ۱۱۲). در این برهه از تاریخ، به علت تأثیرگذاری مطبوعات در نشر مسائل فرهنگی و اجتماعی، این وسیله همواره مورد توجه حاکمان مستبد بوده و بیشتر از سایر کانال های ارتباطی گرفتار تیغ سانسور و فشارهای مستقیم و غیرمستقیم واقع می شدند؛ لذا دقیقاً به همین دلیل است که روزنامه نگاران همیشه از راه های غیرمستقیم به بیان افکار و عقاید روزگار خویش می پرداختند و این یک ویژگی و ضرورت خاص پرداختن به مقوله طنز در مطبوعات است.

سید اشرف الدین حسینی قزوینی، شاعری است که در این بحرانی ترین ادوار تاریخی سرزمین ایران یعنی دوران مشروطیت زیسته است. وی با خلق روزنامه نسیم شمال و منعکس کردن منش و شخصی اش، چه در حوزه شعر چه در زندگی، نشان داد که با همه هم قطارانش متفاوت است؛ وی که بزرگ ترین و محبوب ترین شاعر طنزپرداز دوره ی مشروطه بوده و با حدود دو دهه ممارست مستمر در روزنامه ی «نسیم شمال»، ماندگار شده؛ فردی است که در حوزه های طنز اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قلم فرسائی کرده؛ بیشترین مضامین و آرزوهای ظاهراً کوچک ولی تحقیق ناپذیرمی پردازد و دردهای بی درمان توده های بی نام و نشان و فرودستان شهری و روستایی را می جوید و در واقع می توان گفت که وی تا آن اندازه محتوا و گستره شعر فارسی را دگرگون کرد که همه پیوندش را



با گذشته گسست(خاتمی، ۱۳۸۲، صص ۱۲-۱۳). و به گفته خودش "روزنامه ای را تأسیس کردم تا به زبان ساده و دلنشین با مردم صحبت کنم، چون معتقدم اشعار ساده چه نشاط بخش و چه غم انگیز، تنها زبانی است که به دل مردم ساده می نشیند(یغمایی، ۱۳۶۳، ص ۱۵). اما جای بسی تأسف است که این سرمایه های فکری و فرهنگی که با سلاح قلم و زبان طنز به مبارزه با استبداد پرداخته اند مورد کم لطفی پژوهشی قرار گرفته و در موردشان تحقیقی جامع صورت نگرفته است از این رو در این پژوهش با درک این ضرورت بدنبال تبیین و تحلیل محتوای طنز فرهنگی و اجتماعی در هفته نامه نسیم شمال و ارائه برخی از مؤلفه های اجتماعی و فرهنگی این هفته نامه که در مجال این جستار بگنجد می باشیم.

۲- مروری تاریخی به ادبیات عصر مشروطه

ادبیات هر عصر متأثر از اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن دوره است و زبان حال هرملتی است. جنبش مشروطیت بدون شك از رویدادهای مهم و تأثیرگذار در تاریخ تحولات سیاسی ایران محسوب می شود. اثرات این رویداد در زندگی فرهنگی و سیاسی مردم، از سایر حوادثی که تا آن تاریخ در کشورمان پدید آمده بود، عمیق تر بوده است. شکی نیست که نارضایتی عمیق جامعه ایران در سالهای حکومت قاجار، ریشه اصلی اعتراضات مردمی علیه دولت و زمینه ساز شکل گیری نهضت مشروطیت بود. با وقوع انقلاب مشروطه، ادبیات جدیدی نیز در ایران شکل گرفت که مستقیماً با تحولات سیاسی و اجتماعی سر و کار داشت و مفاهیم جدیدی با خود به همراه آورد که تا قبل از آن ادامه نداشت یا بسیار کم رنگ بود. این ادبیات بیش از هر چیز رنگ و بوی سیاسی داشت. در آثار نویسندگان شعرا، مفاهیمی چون آزادی، وطن دوستی، مبارزه با استبداد و نفی استعمار و نیز حکومت مبتنی بر قانون بر اساس اصل عدالت و برابری بیش از هر چیز نمودار گشت. ادبیات مشروطه، ادبیاتی است که در تلاش و تکاپوی ملت ایران برای نیل به یک حکومت قانون و بریدن از حکومت استبداد منعکس شده است(شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۲۲۳). در دوره مشروطه اما جهان بسته و عاری از نبوغ ادبیات، شکلی کاملاً متفاوت به خود می گیرد که این همان موضوع آگاهی شاعر یا نویسنده از رسالت خویش است. هم از این روست که شفیی کدکنی در تعریف ادبیات مشروطه نوشته است: «این ادبیات، ادبیاتی است که در تلاش و تکاپوی ملت ایران برای نیل به یک حکومت قانون و بریدن از حکومت استبداد منعکس شده است»(شفیعی کدکنی، ۱۳۶۳، ص ۲۲۳).



در حوزه نثر، آثار کسانی مثل: زین العابدین مراغه ای، علی اکبر دهخدا، ملکم خان ناظم الدوله، میرزا فتح علی آخوندزاده و . . . مجال طرح یافت که به تعبیر شمیسا: نویسندگان این دوره . . . پایه گذار نثر ساده فارسی هستند که بعداً با اندک اصلاحاتی به نثر امروز زبان فارسی منجر شده است (شمیسا، ۱۳۷۹، ص ۲۴۷).

درحوزه شعر نیز همین اتفاق افتاد و بروز شاعرانی مانند: ایرج میرزا، بهار، سیداشرف الدین حسینی، میرزاده عشقی و . . . این اجازه را داد که شعر با روزگاریش از خود فاصله ای جدی بگیرد. شفیعی کدکنی، ویژگی شعر مشروطیت را این گونه تعریف کرده است: «درون مایه شعر مشروطه، درقیاس با دوره قبل، مسائلی است از قبیل: زن آزادی، وطن، غرب، صنعت غرب، انتقادهای اجتماعی و تاحد زیادی دوری از نفوذ دین، فقدان تصوف و باز هم کلیت معشوق درآثار غنایی، به معنی عاشقانه نرم و هنجارطبیعی ادبیات مشروطه نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰، ص ۳۵). نهضت مشروطه به عنوان یک جریان مردمی، از اهرم های بی شماری برای نیل به اهدافش کمک گرفت. یکی از اهرم ها، استفاده شاعران و نویسندگان از زبان طنز بود. برای انتقال حقایقی که حاکمیت اجازه نمی داد به گوش مردم برسد. درچنین شرایطی که رسانه ای از چنان آزادی برخوردار نبود با نبوغ شاعران و نویسندگان بر آن قرار گرفت .

هنر شاعران و نویسندگان عصر مشروطه آن بود که واقعه یا اتفاقی را که نمی توانند آشکارا بنویسند و یا دم از آن بزنند، در قالب عباراتی خنده دار با مردم درمیان می گذاشتند. این رویه ای بود که غالباً به آن اقبال و توجه می شد، اما کسی منکر نیست که پیشرو طنز در نثر علی اکبر دهخدا و در شعر سیداشرف الدین حسینی بود. در واقع طنز در دوره مشروطه شکل سیاسی به خود گرفت و این گونه سبکی نو در ادبیات پایه ریزی شد که در حوزه نثر دهخدا علمدار بود. (کوبیچکو، ۱۳۶۳، ص ۴۵).

هدف از طنز سیاسی، کشاندن جامعه به مرحله آگاهی است. آری در حوزه شعر، این روزنامه نسیم شمال بود که با طنزهای بسیار نرم و قابل دفاع، اما گزنده، دل مردم را ربوده بود و طنزش زبان دردهای اجتماع بود.



بنابراین این گونه بود که طنز به عنوان یک ژانر ادبی در خدمت مشروطه خواهان قرار گرفت. یحیی آرین پور مینویسد: «با پیدایی مشروطیت ادبیات طنزی حقیقتی که از در بتن خود را بیش از افراد، متوجه اجتماع و معایب عمومی جامعه ساخته بود، پدید آمد و در حقیقت به نفع افکار آزادی خواهانه به شعر تغزلی دست اتحاد داد. (آرین پور، ۱۳۷۹، ص ۳۹).

۳. طنز در شعر سید اشرف

شک نیست که سید اشرف طلایه دار طنز مشروطه در حوزه شعر است. تلاش هایی که دیگر معاصران سید اشرف در این زمینه صورت داده اند، هرگز توفیق سید اشرف را دست کم در میان مردم به دست نیاورده است. چهارچوبی که طنز سید اشرف بر آن مستقر شده؛ پرداخت هایی از طنز که شامل موضوعات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی نظیر: وطن پرستی، مخالفت با دخالت بیگانگان، شامت مردم غافل برای بیدار کردنشان، ظلم ستیزی و مبارزه با استبداد، مشروطه خواهی، آزادی و... می باشد.

۴- برخی از مؤلفه های طنز فرهنگی در شعر سید اشرف الدین قزوینی (گیلانی)

۱- انسجام ملی و اتحاد اسلامی

دوره مشروطه و سال های قبل از آن، دوره پیدایش و رشد ملی گرایی است. با ظهور ناسیونالیسم، قومیت های مختلف اسلامی نیز در پی احیای هویت ملی و قومی خود و این امر نه تنها به اتحاد دنیای اسلام کمکی نمی کرد، بلکه بیشتر بر تفاوت ها تأکید می نمود. سید اشرف با توجه به فرهنگ و زبان ملی و ستایش زبان فارسی؛ با نگاهی انسانی و دینی به انسجام ملی و اتحاد اسلامی اشاره می کند.

صاحب علم و قوانین مجدد عرب است

عرب من، به همه خلق سرآمد عرب است

اشرف و افضل و هم اعلم و اسعد عرب است

آنکه بسته به ره دشمن دین سد عرب است

به عرب چون ندهم دل که محمد عرب است

(نسیم شمال، شماره ۵۱، ۷ شعبان ۱۳۲۷).



با تمام این اوصاف وی شعر دیگری نیز دارد که در آن شکوه و عظمت ایران را یادآوری می نماید؛ اما آن را دلیلی بر دشمنی با دیگر اقوام نمی داند. سید در این شعر به وسعت و گستردگی ایران کهن اشاره می کند:

خاک ایران نه مگر جنت این دنیا بود وسعت خانه ما تا خط افریقا بود
هد و کشمیر و خلیج عجمی دارا بود کی چنین درهمه جا مفتضح و رسوا بود

(نسیم شمال، شماره ۲، ۱۲ رمضان ۱۳۲۸)

۲- انتقاد به تقلید کورکورانه از جهان غرب

. انتقادسید اشرف بیشتر متوجه کسانی است که از میان این همه علوم و فنون و مظاهر مختلف تمدن غرب، فقط و فقط به فکر بستن «فکل وکراوات» هستند و خیال می کنند با عوض کردن ظاهر و تغییر لباس انسانی متفاوت خواهند شد. سیداشرف نام این گروه را «فرنگی مآبی» می گذارد:

نه سر کار والانه عالی جنابم نه قایم مقامم نه نایب منابم
نه در فکر درسم نه در فکر مشقم نه فکر حسابم نه فکر کتابم
فقط عینک است و فکل مایه من فرنگی مآبم، فرنگی مآبم

(نسیم شمال، شماره ۱۱، ۱۳ رمضان ۱۳۳۴)

۳- عدم ثبات فکری و شخصیتی و رنگ عوض کردن

سید گاهی با مهارت و تبحر یک روانشناس مردم جامعه ایران موردارزیابی شخصیتی قرار می دهد و لایه های پنهان شخصیت آنان را آشکار می نماید. سید نیز با اینکه زرنگی و هوش بالای ایرانیان را در شعر مورد ستایش قرار می دهد، اما به ریاکاری و رنگ عوض کردن آنان انتقاد دارد:

ما ملت ایران همه باهوش و زرنگیم افسوس که چون بوقلمون رنگ به رنگیم

۴- تکریم زنان و دختران



زنان در دنیای شرق عموماً و در ایران خصوصاً جایگاهی در زندگی اجتماعی نداشته اند. آنان که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دادند، در طول تاریخ «مستور» بودند و در پشت پرده ها و انزوای خانه های پدران و سپس شوهران خود در سکوت و گمنامی می‌زیستند و اینگونه عمر خود را به سر می‌آوردند و از آنجا که تحت مالکیت مردان بودند و کاملاً در اختیار ایشان قرار داشتند، در برابر تمام اتفاقات و سختی ها و اذیت و آزار آن ها مجبور به سکوت بودند و حق هیچگونه اعتراضی نداشتند. این پرده نشینان بیچاره و این ضعیفه ها و متعلقه ها از بسیاری حقوق انسانی خود محروم بودند. (نسیم شمال، شماره ۷، ۱۲ جمادی الاول ۱۳۲۹).

۵- برخی از مؤلفه های طنز اجتماعی در شعر سید اشرف الدین قزوینی (گیلانی)

۱- شناخت و نقد استعمار

سید اشرف شاعری است استعمار ستیز و اشعار او سرشار از اندیشه ستیز با دو قدرت استعماری مخوف روس و انگلیس. او هیچگاه سر سازش با آنها ندارد؛ شاید به جرأت بتوان گفت که در طول تاریخ استعمار هیچ زبان و قلمی انگلیس را به این خوبی و به این موجری که سید اشرف بیان داشته است، توصیف نکرده باشد:

ای شریر بیشرف وی قطب قطاع الطريق ظلم بیحد کرده ای بر خلق دنیا انگلیس

(نسیم شمال، شماره ۲۰، ۲۵ ذی الحجه ۱۳۲۱)

خاک ایران شده ویران زسه فیل

روس فیل، انگلفیل، آلمان فیل

دوش کردم به خرابات گذر تا به قلیان زخم از بنگ شرر

مرشدی دیدم با بوق و تهر پک به قلیان زد و می‌خواند از بر

(نسیم شمال، شماره ۳۰، ۲۷ صفر ۱۳۳۲)



۲- همدلی و یکرنگی در حل مشکلات جامعه

او در راستای همین اندیشه که نشانگر عمق درک و تحلیل او از اوضاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور می‌باشد. با تمام مشروطه خواهی و طرفداری اش از حکومت قانون و آزادی، این امور را وارداتی نمی‌داند. از نظر او نمی‌توان مشروطیت را آورده و دو دستی به ملتی هدیه کرد؛ مشروطیت و قانون و آزادی مرحله‌ای از رشد فکری و اجتماعی یک ملت است و تنها در صورت چنین رشد و بلوغی است که این‌ها در یک کشور برقرار می‌شود

زمانی که می‌خفت در بسترش

شب‌ی دختری گفت با مادرش

نویسنده نکته دان نجیب

که ای مادر مهربان ادیب

بگو قیمه با غین بود یا که قاف؟

به وقت نوشتن بدون خلاف

خوشش آمداز حرف و اطوار او

بخندید مادر ز گفتار او

بدان قیمه نه قاف باشد نه غین

پس از خنده فرمودای نور عین

فقط روغن و گوشت بایست و بس

ز قاف و ز غین قیمه ناخورده کس

نه، قیمه از گوشت گردد درست

همان غین و قاف از خیالات توست

نوشتم به عنوان ضرب المثل

من این شعر شیرین همچون عسل

نگردد درست از مشیر وامیر

غرض کارملت در این دار و گیر

نه هم گردد اباد از بهمدان

وطن نه منظم شود از فلان

(نسیم شمال، شماره ۲، ۱۸ ربیع الاول ۱۳۳۳).

۳- نقد عالم منزوی و تشویق عالم اجتماعی



عنایت الله رحمانی
کارشناس ارشد مدیریت فرهنگی

. سیداشرف نشستن در گوشه حجره های تنگ و تاریک مدارس قدیم و مشغول شدن به مباحث بی نتیجه را تلف کردن عمر می داند. از دیگر انتقادات سیداشرف به گروه روحانیان و علمی دینی، سازش آنان با ظالمان و یا سکوت در برابر ظلم و ستم آنان است. : «هیچ ملایی به درد رعیت نخورد، هیچ آخوندی به فریاد مظلومی نرسید، چه بسا مظلومان بی تقصیر را در زندانخانه ها مستبدین خفه کردند، چه بسا بی گناهان را جماعت ظلمه معدوم کردند، سر بریدند، شکم دریدند، به دار آویختند . . . هیچ ملایی امر نکرد و هیچ حاکم شرعی در ایران از حاکم عرف نپرسید که به چه گناه این امت محمد (ص) را این قدر خفت می دهی؟ آیا به کدام قانون خون رعیت مظلوم را می ریزی؟ بلکه دیدند و خندیدند. . . » (نسیم شمال)،

سیداشرف در شعر زیر تمام انتقادات اساسی خود را به این گروه از علما یک جا گردآورده است:

من ندانم کار این ایران کجا منجر شود	این سیه معجز چه هنگامی زرین مغفر شود
درفرنگستان خران از علم آدم گشته اند	لیک اینجا سعی ها دارند آدم خر شود
مردمانی بواهوس درجان هم افتاده اند	یجتمل اصلاح این جنحال در محشر شود
یک گروهی واعظند و فرقه ای هم روضه خوان	امر دنیاشان همی اصلاح از منبر شود
دسته ای هم نام خود بنهاده طلاب علوم	عمرشان چل سال صرف رفع و نصب و جر شود
بهر بلع مال مردم شیخنا غرش کنان	دم علم کرده بتر از شرزه شیر نر شود

(نسیم شمال، شماره ۲۱، ۱۴ جمادی الاولی ۱۳۲۶)

۴- نقد عهد شکنی شاه قاجار در قبال مشروطه

محمد علی میرزا چندین بار برای پابندی به مشروطه و حفظ آن سوگند خورد که نخستین بار آن در روز دوشنبه ۱۹ آبان (۵

شوال ۱۳۲۵) بود که به همراه وزرا، ولیعهد و خویشان خود برای این امر مجلس حاضر شد. پس از ماجرای اجتماع در میدان توپخانه



نیز که با عکس العمل شدید مشروطه خواهان مواجه و دست شاه نیز در این نیز ماجرا دیده شد. در تاریخ هفده ذی القعدة ۱۳۲۵

سوگند نامه ای در پشت قرآن نوشت و به مجلس فرستاد و برای بار سوم نیز در ۹ ذی الحجه ۱۳۲۵ به قرآن سوگند خورد؛ اما او هر

بار سوگند خود را شکست و به همین جهت هم سید در این شعر سوگندهای او را بی جهت می شمارد

الا تاچند راحت آرمیدن

نرفته کی توان جایی رسیدن

ندیده کی توان صورت کشیدن

محمد دین و موسی شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

خبر آمد که ایران را بهار است

بهارستان پر از مشک تار است

فضای پارلمان هم عطر بار است

بباید لاله از مشروطه چیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

خبر آمد جهان امن و امان شد

به رغبت شه مطیع پارلمان شد

به دولت نیز ملت تو امان شد

گذشت آن ظلم و قتل و سر بریدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

جهان روشن شد از انوار مجلس

بود روح القدس معمار مجلس

به اطراف و در و دیوار مجلس

بباید عنکبوت آسا تنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن

شبهاتریاک جای قند تا کی

به دزدان دغل پیوند تا کی

به قرآن بی جهت سوگند تا کی

نصیحت باید از اشرف شنیدن

شنیدن کی بود مانند دیدن



(نسیم شمال، شماره ۲۷، ۱۹ ربیع الثانی ۱۳۲۶) پریشانی اوضاع کشور درایام پیش از کودتای شاه علیه مجلس

۶- نتیجه گیری

اهمیت کار سید اشرف در به نظم کشیدن وقایع تاریخ مشروطه در این است که در جامعه سنتی ایران کتابخوانی و مطالعه به جهت بی سوادی عموم مردم جایی نداشته، اما شعر همیشه با زندگی آنان آمیخته بوده است. از همین جا می توانیم متوجه شویم که چرا تقریباً تمام روزنامه های منتشر شده در عصر نهضت مشروطه به طور بسیار گسترده از شعر استفاده میکردند و روزنامه خالی از شعر در این زمان یافت نمی شود. سید در روزنامه نسیم شمال، به برابری هستی شناختی همه ی اعضای جامعه، به رسمیت شناختن حیات فردی اعضای جامعه و اصل چالشی وجود نخبگان در جامعه ی دموکراتیک پرداخته، وی با دگرگونی در ارزشیابی الگوهای انسانی که یکی از اساسی ترین ویژگی های فرآیند دموکراتیک شدن فرهنگ می باشد، راه خود را به سمت هر چه آگاه تر کردن مردم باز کرده است. این طور به نظر می آید که سید اشرف در نسیم شمال با انجام تحول فرهنگی در فرهنگ عامه مردم سعی بر تغییرات اساسی و اصولی در جامعه تازه به مشروطه رسیده آن دوران داشته است. وی با بیان مفاهیمی پایه ای منجمله، ایجاد عدالت و انصاف، آسایش و سعادت مردم، گسترش تعلیم و تربیت و ایجاد مدارس علوم جدید و ارتقای سطح دانش و فرهنگ مردم، بیداری و آگاهی آنان از سرنوشت خویش، رها کردن مردم از فقر، ارزش دادن به زنان در جامعه، ایجاد مجلس شورا و حاکمیت قانون به باز شدن و گسترش افق فرهنگ به روی همگان و اهاده جامعه کمک کرده است.



- آراین پور، یحیی. (۱۳۷۹). از صبا تا نیما (سه جلد). چاپ هفتم، تهران: انتشارات زوار.
- آژند، یعقوب (۱۳۸۴). تجدید ادبی در دوره مشروطه، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- خاتمی، احمد (۱۳۸۲). "مضامین سیاسی و اجتماعی در شعر مشروطه"، فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰) ادوار شعر فارسی از مشروطه تا سقوط سلطنت، تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۹). بیان و معانی، چاپ ششم، تهران: نشر فردوس.
- کریمی موغاری، فریده (۱۳۸۲). شمیم نسیم زندگی و شعر سید اشرف الدین حسینی. چاپ اول: تهران: نشر ثالث.
- کوبیجکو (۱۳۶۳). نثر فارسی در دوران سلطنت رضاشاه بزرگ، ترجمه ارشاد، جهانگیر؛ مجله وحید، شماره ۱۰۰، صص ۶۸-۸۰.
- نسیم شمال (حسینی گیلانی، سید اشرف الدین) (۱۳۷۱). کلیات جاودانه نسیم شمال. به کوشش حسین نمینی. تهران: اساطیر.
- یغمایی، حبیب. (۱۳۶۳). «داستان دوستان». به نقل از: حسینی نمینی، جاودانه سید اشرف الدین گیلانی. تهران: انتشارات کتاب فرزانه.